



سیره نویسی امام حسین(ع) از 20 سال حیات سیاسی تنها به 2 ماه محدود می شود/ ضرورت پالایش سندی برخی سیره ها

احمد پاکتچی گفت: «بسیاری از متون سیره شیعیان، به واسطه کارکرد عاطفی شان به پالایشی سندی و چه بسا بی رحمانه نیازمندند. غلبه احساسات در این سیره ها تا حدی است که گاه در شیعه بودن یعقوبی و مسعودی، جای شک باقی می ماند.»

احمد پاکتچی گفت: «بسیاری از متون سیره شیعیان، به واسطه کارکرد عاطفی شان به پالایشی سندی و چه بسا بی رحمانه نیازمندند. غلبه احساسات در این سیره ها تا حدی است که گاه در شیعه بودن یعقوبی و مسعودی، جای شک باقی می ماند.» به گزارش خبرآنلاین به نقل از ایبنا، پنجمین جلسه کارگاه سیره نگاری با عنوان «بررسی جایگاه جماعت شیعه و امت اسلامی در فهم سیره» با تدریس دکتر احمد پاکتچی عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، 29 شهریور در پژوهشکده تاریخ اسلام برگزار شد. خلاصه اظهارات دکتر پاکتچی را در ادامه می خوانید.

سیره در گذشته و در میان مسیحیان

* تاریخچه سنت سیره نویسی به مورخان مسیحی برمی گردد و کارکردهای این علم را باید در تاریخ دین مسیحیت جستجو کرد. روش «قدیس نگاری» (Hagiography) به عنوان حوزه ای از فضای ادبیات و تاریخ نگاری مسیحی در قرون وسطی است که در سه سبک، طبقه بندی می شود.

* اولین نوع قدیس نگاری وابسته به «تقویم مناسبت ها» است. در این سبک، اتفاقاتی که برای قدیسان رخ داده، بر اساس تقویم روزهای سال، شرح داده می شود. در دومین سبک نیز که ناظر به توصیف «زندگی قدیسان» است، قدیس نگار، به ترتیب زمان زندگی هر قدیس و سال حضورش در جامعه مسیحیان، به توصیف و گزارش زندگی او می پردازد. در سبک سوم نیز توجه قدیس نگار به «آبا» یا رجال منتخب و مذهبی کلیسا معطوف است و شرح زندگی این گروه، محور قدیس نگاری را شکل می دهد؛ در این سبک قدیس نگاری، عنصر فقه و مذهب، نقشی پررنگ دارد و هر مذهب می کوشد تا بیشتر به معرفی و توصیف رجل مذهبی خود بپردازد.

* الگوسازی و ارائه تعلیم اخلاقی به پیروان دین مسیحی و نیز تقویت ایمان مخاطبان به عنوان اصلی ترین اهداف قدیس نگاری بوده است.

* «زیست نگاری» (Legacy)، نوعی شرح حال نویسی عمیق تعلیمی محسوب می شود که در آن، نوشته، درگیر بیان احساسات مؤلف خویش می شود تا از این رهگذر، نویسنده، تجربه زیسته سوژه ای را که در باب وی قلم زده، برای تعلیم دیگران شرح دهد. به عنوان مثال، نامه های «جواهر لعل نهرو» به دخترش، نمونه ای از زیست نگاری هایی است که در آن نهرو، عصاره فکر و زندگی اش را با زبانی احساسی و سرشار از ظرافت کلامی به دخترش و به عبارتی بهتر، به نسل آینده هند تقدیم می کند. در سیره نگاری نیز، مؤلف به منظور الگوبخشی در زندگی و تأثیر بر باورهای مردمی، می کوشد تا به ارائه یادمان و میراثی فرهنگی از پیامبر (ص) و ائمه اطهار بپردازد.

* سیره نگاری در اسلام ترکیبی از دو سنت «قدیس نگاری» و «زیست نگاری» است. در فرهنگ اسلامی، سیره برای وصف شرح حال غیرمعصومان نیز کاربرد داشته است. در پاره ای موارد، سیره هایی برای وصف رجال دینی نظیر خلفا و صحابه نگاشته شده و حتی در بین کسانی که مشرب عرفانی داشته اند، سیره اولیاءالله هم مورد توجه بوده است. نکته قابل توجه کلیه این آثار این است که همگی فراتر از یک گزارش تاریخی بوده و جنبه تعلیمی آنها برجسته تر از ابعاد تاریخی شان است. همچنین تفاوت اصلی سیره و بیوگرافی در این است که در سیره نویسی، بیان احساسات مؤلف بر متن غالب است؛ در حالی که بیوگرافی لزوماً چنین مشخصه ای ندارد.

سیره نویسی معصومان در میان مسلمانان

* مخاطبان در دوره های پس از معصومان، به دلیل آن که درکی مستقیم از حیات آنها ندارند، برای شناختشان به سیره ها متوسل می شوند و از این رو مؤلفان سیره، بین مخاطب و معصومان قرار می گیرند. در این میان نکته حایز اهمیت این است که مؤلف سیره با انتخاب های خود، برخی کاربردهای آن را برجسته و بعضی دیگر را کمرنگ می سازد. به عنوان مثال، زندگی امام حسین (ع) و حیات سیاسی آن حضرت، پس از صلح معاویه امام حسن (ع) با معاویه آغاز می شود و تا شهادت وی 20 سال به طول می انجامد؛ در حالی که اگر سیره سیدالشهدا را به معنای متن نگارش یافته در نظر بگیریم، تنها ناظر به حوادث دو ماه پایانی عمر آن حضرت است. از این منظر، سیره به معنای آن چیزی که توسط مؤلف نگارش می یابد، همواره دربرگیرنده کل زندگی یک فرد نیست. همین مساله برای محققانی که به دنبال کاربردهای سیره در زندگی امروز هستند، دارای اهمیت است؛ به این معنی که ما برای الگوسازی بر مبنای زندگی معصومان نیازمند درک آن بخش هایی از زندگی آنها هستیم که در سیره نگاری ها مغفول مانده است.

* درک هر گروه از مسلمانان و همچنین شیعیان از سیره، درگیر محدودیت هایی نظیر شرایط مکانی، زمانی، بافت جامعه، شیوه زندگی و نظایر آن است. مثلاً در آستانه انقلاب سال 1357 ایران، فهم مردم از ماجرای کربلا و سیره امام حسین (ع) صبغهای کاملاً متفاوت نسبت به دوره های پیش می یابد؛ حتی فراتر از آن می توان مدعی شد که درک سیره نبوی نزد شیعیان با اهل

سنت دارای تفاوت‌هایی اساسی است.

* سیره از منظر کلامی، چه بین مسلمانان و غیرمسلمانان و چه میان فرقه‌های مختلف اسلامی، مرز می‌کشد. از منظر اهداف کلامی-فرقه‌ای، سیره‌های شیعیان، دو جنبه ایجابی و سلبی را تعقیب می‌کنند. از رهگذر ایجابی، آنها به دنبال اثبات حقانیت مواضع فرقه با ثبوت معجزات و دلایل معصومان هستند و از منظر سلبی هم، دفاع از مواضع فرقه و پاسخ به شبهات درباره امامت یافتن و سلوک معصومان را پی می‌گیرند. در همین خصوص باید به دو نوع بیان در رد شبهات توجه داشت؛ یکی بیان «استدلالی» که در آن انصاف فرد مقابل، مد نظر قرار می‌گیرد و دیگری بیان احساسی که «همدلی» مخاطب را می‌جوید.

* در بیان استدلالی، پاسخگویی به شبهات با ابزار استدلال و برهان، برای مؤلف حایز اهمیت است؛ در حالی که در بیان احساسی که سیره‌نگاری در قلمرو آن قرار دارد، با استدلال روبه‌رو نیستیم و صرفاً شاهد اخبار و اطلاعاتی از گذشته هستیم که همدلی مخاطب را می‌طلبد. از همین روست که بسیاری از متون سیره شیعیان، به واسطه کارکرد عاطفی‌شان به پالایشی سندی و چه بسا بی‌رحمانه نیازمندند. غلبه احساسات در این سیره‌ها تا حدی است که گاه در شیعه بودن یعقوبی و مسعودی که سیره‌هایی تحقیقی، مستند و استدلالی ارائه کرده اند، جای شک باقی می‌ماند.

* در فرآیند آرمان‌سازی، سوژه، صورتی فرازمینی می‌یابد و از این رو هرچه بیشتر به سوی آرمان‌سازی حرکت کنیم، از الگوسازی فاصله می‌گیریم. به این ترتیب، زمانی که در پی معرفی ائمه به عنوان موجودات زمینی و بشری هستیم تا از این رهگذر آنها را به عنوان الگو معرفی کنیم، از تصویر آرمانی و فرازمینی آنها فاصله گرفته‌ایم. همچنین ابهام و وضوح نیز دو روی دیگر سکه کارکرد سیره هستند و بسیاری از وقایع تاریخی به واسطه اقتضائاتی، دارای وضوح و ابهام هستند که بارزترین نمونه آن را در ابهامات شهادت حضرت فاطمه (س) می‌توان دید.

* یکی از کارکردهای اصلی سیره‌ها، کارکرد «هویتی» آنهاست؛ به این معنی که سیره برای ایجاد یک هویت مشترک نگاشته می‌شود و از آنجایی که هرگز، از هیچ هویتی نمی‌توان به یک معنای دقیق، جامع و مانع رسید، این کارکرد بر عناصر آرمان‌سازی و ابهام تکیه می‌زند. به عنوان مثال، اختلاف در تاریخ وفات پیامبر (ص)، کارکردی بسیار مهم و هویت‌بخش بین شیعه و سنی دارد. کارکرد دیگر سیره، کارکرد «آدابی» آن است؛ به این ترتیب که سیره، قادر است تا به رفتار اجتماعی افراد شکل دهد و آن را متأثر از خویش کند. مثلاً نحوه رفتار اجتماعی پیامبر و معصومان در مواردی نظیر سلام کردن یا حتی برخورد با کودکان، از مطالعه سیره حاصل می‌شود؛ از این رو سیره‌ها از نظر آدابی، به الگوسازی و وضوح‌گرایی دارند. از سومین کارکرد سیره هم می‌توان تحت عنوان کارکرد «میثاقی» یاد کرد. این کارکرد، ناظر به این مساله است که جوامع برای آن که بتوانند همکاری‌های اجتماعی خود را بالا ببرند، مرتباً قواعدی را مورد امتحان قرار می‌دهند؛ از این رو وقتی اتفاقی با فرکانس بالا، جمعیت عظیمی را درگیر می‌سازد، کارکردی جدی و میثاقی می‌یابد. حج نمونه بارز این کارکرد است. سیره‌ها در بحث میثاق‌های اجتماعی، هم می‌توانند صورتی آرمان‌ساز داشته باشند و هم الگوسازی را تعقیب نمایند.